

ابراهيم احمد

خاطرات يك امدادگر مدافع حرم ابو حامد

مجموعه داستان

www.ketab.ir

محسن بغلانی

سرشناسه	: بغلانی، محسن، ۱۳۴۳ -
عنوان و نام پندآور	: ابراهیم احمد : خاطرات یک امدادگر مدافع حرم ابوحماد/ محسن بغلانی.
مشخصات نشر	: تهران: موسسه فرهنگی هنری قدر و لایت، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۲ ص. ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-964-495-652-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: خاطرات یک امدادگر مدافع حرم ابوحماد.
موضوع	: نوری، اسماعیل، ۱۳۴۷ - : خاطرات
موضوع	: سوریه -- تاریخ -- جنگ داخلی، ۲۰۱۱ م. -- انداز سانی
موضوع	: Syria -- History -- Civil war, 2011 -- War work
رده بندی کنگره	: DS۹۸/۴
رده بندی دیویی	: ۹۵۶/۹۱۰۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۶۱۰۲۷۳
وضعیت رکورد	: فیبا



موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

ابراهیم احمد

خاطرات یک امدادگر مدافع حرم ابوحماد

مؤلف: محسن بغلانی

ناشر: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

نوبت چاپ: چهارم ۱۴۰۳ / شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

لینوگرافی: سحر / چاپ: آبنوس / صحافی: صداقت

طرح جلد: امیر وحید سعیدی فر

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۵-۶۵۲-۲

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

دفتر توزیع و پخش: خیابان پاستور - خیابان ۱۲ فروردین جنوبی - کوچه خاقانی پلاک ۸

تلفن: ۶۶۴۶۹۵۸-۶۶۴۱۱۵۱-۶۶۴۱۱۵۱ نمابر: ۶۶۹۷۰۲۰۵

نشانی پایگاه اینترنتی: www.ghadr110.ir نشانی پست الکترونیکی: info@ghadr110.ir

این کتاب با کاغذ حمایتی چاپ شده است

فهرست

۷.....	مقدمه
۹.....	وقتی اعزام شدم
۲۲.....	شب اول
۲۶.....	آشنایی
۳۰.....	زیارت
۳۸.....	دکتر حمدی
۴۲.....	جمع مستان می‌رسند
۴۷.....	شهادت روحانی جوان
۵۱.....	مسمومیت در فرودگاه
۵۴.....	تصادف بچه‌های فاطمیان
۶۶.....	مهندس ایرانی، فرمانده سوری

۷۲ ابراهیم احمد

۸۰ جابجایی نقاهتگاه

۸۳ جراحت ابوعلی از فرماندهان ایرانی

۹۱ آمدم ای شاه پناهم بده

۹۳ عصر دل تنگی

۱۰۵ رجبعلی

۱۰۹ شعبانعلی

۱۱۴ رزمه گل دامن آینه

۱۱۸ جانی یهانی در همه ی دنیا

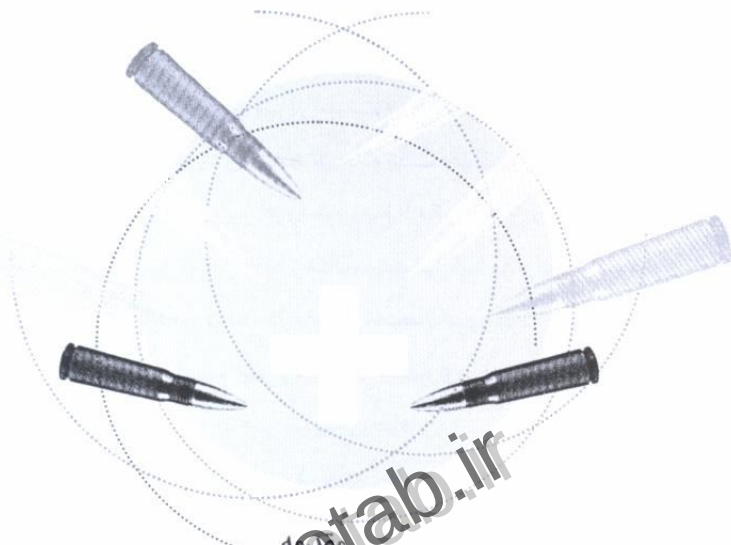
۱۲۲ نماز معراج مؤمن

۱۲۸ پرواز تا بی نهایت

۱۳۱ زائر امام رضایم

۱۳۵ عروسی دارمه سر قور ریکا

www.ketab.ir



«تنها آن کس از عهده‌ی رثای شما، می‌تواند خونین بال حرم امن، برمی‌آید که بتواند کلام را بر بال عشق بشمارد. به معراج برد و اگر این چنین است، بگذار آن یار غائب مرثیه‌خوان شما باشد که جز او هیچ تنابنده‌ای راه‌های آسمان را نمی‌شناسد.»

شهید سید مرتضی آوینی

توطئه‌ای در حال شکل گرفتن و هدفی والا. کدام توطئه و کدام هدف؟ تشکیل یک جنگ به ظاهر داخلی. خیلی آرام مردمی به نظام خود اعتراض داشته و از آن درخواست اصلاح دارند قرار نیست کسی کشته شده و یا خونی بر زمین ریزد و ناگهان به فاصله‌ی دو هفته نبردی خونین در می‌گیرد. جنگی با حضور بیش از هشتاد کشور خارجی با سلاح‌هایی که بسیاری از کشورها حتی نمونه آن را تا کنون ندیده‌اند

آن‌هم در اختیار گروهی شبه نظامی متعصب مذهبی که خود را نماینده خدا بر روی زمین می‌داند. قرار است این گروه متعصب برای مسلمانان سنی مذهب نمادی باشد از حکومت جهانی آخرین منجی عالم بشریت به زعامت آخرین فرزند پیامبر اعظم «ص» و نمادی باشد برای شیعیان از آخرین شرور آخرالزمان، سفیانی. تا مقاومت اسلامی در منطقه شکسته شده و آخرین دژ مقابل شیطان فروریزد. سالها تفکر و آموزش سرکردگان و ترکیب این وهابیان تکفیری با سوسیالیست‌های بعث عراق و ملیشیای به ظاهر شیعه‌ی منافق. ولی ناگاه غرشی از نائب آن یار عاقبت از نظر برمی‌خیزد. باید جلوی توطئه دشمن گرفته شود و اکنون هرگز حفظ حرم آل الله است.

در این راه جوانان بی‌پسوند شیعیان عالم از آفریقا گرفته تا آسیا و اقیانوسیه و اروپا به یاری جبهه‌ی شتابند تا بار دیگر حرم الهی امن بماند. و باز در این راه جوانان شهادت بهشت را با جان خود معامله می‌کنند. ابراهیم احمد یکی از آنان است. شهیدی که در شبی دل امدادگر خویش را از گوشه‌ای دیگر از حرم الله ربود. قلب و روح وی را تسخیر کرد تا بار دیگر او خود را در کنار برادر شهیدش که پیش از این به خیل شهیدان پیوسته بود ببیند.

کتابی که پیش روی شماست در فصل اول به بیان بخشی از خاطرات یک امدادگر مدافع حرم از آنچه در دیار شام دیده، پرداخته است. فصل دوم آن نیز در باره شهید گمنامی است که در زیارت آستان امام غریش چهره از گمنامی برمی‌کشد و رخ می‌نماید. شما را به خواندن این مجموعه دعوت می‌کنیم.

محسن بغلانی